

Revolution Studies

Volume 3, No. 5, Summer & Spring 2025 (Serial 5)

From Cultural Revolution to Algorithmic Revolution: The Transformation of Revolutionary Discourse in the Age of Artificial Intelligence

Ali Ashraf Nazari¹

[DOI : 10.22034/fademo.2025.524042.1109](https://doi.org/10.22034/fademo.2025.524042.1109)

Parham Pourramezan²

Abstract

The Islamic Revolution of Iran holds significant importance as a contextual environment for the political sphere, emerging within the framework of traditional or modernist discourses of the past four decades. With the advent of new artificial intelligence technologies, we are now witnessing the emergence of new structures and constructs within the Iranian public consciousness. In light of these developments, the central research question of this study can be formulated as follows: How might these transformations influence the future of the Islamic Revolution's discourse? Specifically, do these technologies contribute to the reproduction of existing mental constructs, or do they provide a platform for the formation of new ones? It is worth noting that the authors, employing a qualitative research methodology, seek to test the hypothesis that artificial intelligence can function both as a tool for consolidating and reinforcing the discourse of the Islamic Revolution, and as a catalyst for the emergence of new mental constructs that differ fundamentally from previous interpretations. However, in the absence of precise strategies and coherent ethical frameworks, there exists a tangible risk of discourse deviation, conceptual superficiality, and even the creation of identity dualities. Ultimately, the future of the Islamic Revolution in the age of artificial intelligence will depend on the cultural wisdom and strategic intelligence with which this technology is harnessed.

Keywords: Digital anthropology, representation of reality, Islamic Revolution of Iran, artificial intelligence

1. Associate Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author) aashraf@ut.ac.ir

2. Researcher, Conflict and Cooperation in the Middle East Group, Center for Scientific Research and Strategic Studies of the Middle East, Tehran, Iran. parhampourramezan@ut.ac.ir

Received: 2025/ 05/ 22

Approved: 2025/ 06/ 22

از انقلاب فرهنگی تا انقلاب الگوریتمی: تحول گفتمان انقلابی در عصر هوش مصنوعی

علی اشرف نظری^۱

DOI : 10.22034/fademo.2025.524042.1109

پرهام پوررمضان^۲

چکیده: انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان محیطی زمینه‌ساز امر سیاسی در بستر گفتمان‌های سنتی و تجدیدگرای چهار دهه پیش، از اهمیت فراوانی برخوردار است. از سوی دیگر، ظهور فناوری‌های نوینی مانند هوش مصنوعی توانسته است ساخت‌ها و براساخت‌های جدیدی را در ادراک اجتماعی ایرانیان ایجاد کند. با توجه به این مسائل، پرسش اصلی پژوهش این است: چگونه این تحولات می‌توانند آینده گفتمان انقلاب اسلامی را تحت تأثیر قرار دهند؟ آیا این فناوری‌ها صرفاً در جهت بازتولید ساخت‌های ذهنی موجود عمل می‌کنند یا بستری برای شکل‌گیری براساخت‌های ذهنی جدید فراهم می‌آورند؟ این پژوهش در راستای تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از کاربرد هوش مصنوعی در شکل‌دهی به ذهنیت اجتماعی ایرانیان نسبت به انقلاب اسلامی انجام شده است. نگارندگان با بهره‌گیری از روش پژوهش کیفی، فرضیه‌ای را مورد آزمون قرار داده‌اند که هوش مصنوعی می‌تواند هم به‌عنوان ابزاری برای تثبیت و تقویت گفتمان انقلاب اسلامی به کار گرفته شود و هم زمینه‌ساز شکل‌گیری براساخت‌های ذهنی نوینی باشد که از نظر محتوایی با قرائت‌های پیشین تفاوت ماهوی دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در حوزه‌هایی مانند تولید محتوای شخصی‌سازی شده، تحلیل داده‌های فرهنگی و مدیریت افکار عمومی، ظرفیت به‌روزرسانی گفتمان انقلاب اسلامی و تطبیق آن با زبان و ذهنیت نسل جدید را دارد. با این حال، در صورت نبود راهبردهای دقیق و چهارچوب‌های اخلاقی منطقی، خطراتی همچون انحراف گفتمان، سطحی‌سازی مفاهیم و ایجاد دوگانگی‌های هویتی نیز محتمل است؛ بنابراین آینده گفتمان انقلاب اسلامی در عصر هوش مصنوعی، وابسته به حکمت و هوشمندی فرهنگی در بهره‌برداری از این فناوری است.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی دیجیتال، بازنمایی واقعیت، انقلاب اسلامی ایران، هوش مصنوعی.

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
aashraf@ut.ac.ir

۲. پژوهشگر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران.
parhampouramezan@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال سوم، شماره ۵ | بهار و تابستان ۱۴۰۴ | صفحات ۱۳۱-۱۰۷

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه

در عصر حاضر، نمی‌توانیم از اینکه فناوری‌های نوظهوری همچون هوش مصنوعی توانسته است امور بنیادینی مانند سنت، فرهنگ و سیاست و ... را با پرسش‌ها و چالش‌های اساسی روبرو کند غفلت بورزیم؛ از این رو، بسیار اهمیت دارد نگاه ما منطبق بر نگاه سنتی (کشاکش سنت و مدرنیته) باشد یا پذیرش تطابق ادراک جامعه ایران با جهان را به‌عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار بپذیریم. انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ را اگر در قالب یک پدیدهٔ جامعه‌شناختی بررسی کنیم آنگاه با این امر مواجه خواهیم شد که مهم‌ترین مسئلهٔ تاریخ معاصر ایران است و با توجه به اینکه در بستر اندیشه‌ای حامل یک نظام معنایی و گفتمانی است نمی‌توان از نقش آن در ادراک سازی ایرانیان غافل شد؛ اما باگذشت بیش از چهار دهه از این مهم شاهدیم که با ورود هوش مصنوعی به عرصهٔ زیسته ایرانیان سه مفهوم ادراک، تفسیر و بازنمایی به‌طور فزاینده‌ای در حال پررنگ شدن به شیوه‌های نوین است. این امر بدان معناست که نباید از نقش داده محوری، الگوریتم‌های یادگیری ماشین و حتی شبکه‌های شناختی در مسئله‌ای مهم، یعنی «مواجه ایرانیان با بساخت‌های نوین» غفلت صورت گیرد.

در بزنگاهی همچون سال‌های کنونی ایران، می‌توان این پرسش مهم را مطرح کرد که این تحولات چگونه می‌توانند آینده گفتمان انقلاب اسلامی را تحت تأثیر قرار دهند: آیا این فناوری‌ها در جهت بازتولید ساخت‌های ذهنی موجود عمل می‌کنند یا بستری برای بساخت‌های جدید فراهم می‌سازند؟ در مقام پاسخ به آن پرسش می‌توان بیان کرد که اگرچه از دیدگاه نظری پاسخ بسیار مورد اهمیت است؛ اما آن چیزی که ارزش این امر را بالا می‌برد ارزیابی و بررسی این مهم برای نسل‌های آینده با نگاه به امرهای سیاسی مهمی همچون سیاست‌گذاری فرهنگی و امنیت شناختی است؛ بنابراین رابطهٔ سوژهٔ انقلاب اسلامی ایران و امر هوش مصنوعی، ضرورتی گریزناپذیر برای شناخت تحولات پیش‌رو در عرصهٔ ذهنیت ایرانی و بازاندیشی در نقش نهادهای هویتی در جهان پسامدرن و داده‌محور به شمار می‌رود. در جامعهٔ ایران این ادراک که هوش مصنوعی صرف یک ابزار مبتنی بر فناوری است یک دیدگاه مبتنی بر همهٔ واقعیت نیست، بلکه این تکنولوژی بیشتر از منظر جامعه‌شناسی سیاسی توانسته است در سه رکن مهم، یعنی گردآوری و سازماندهی، جهت‌دهی و سیاست‌گذاری غیر حاکمیتی و ایجاد و پرداخت معانی به ایفای نقش پردازد و این امر را در فضاها و بسترهای مجازی هوشمند، در قالب گزاره سازی و نمادگرایی پیرامون امر انقلاب اسلامی ایران با استفاده از سامانه‌ها و الگوریتم‌های تحلیلی مبتنی بر داده در قالب روایت‌های جدید و بدیع

عرضه می‌کند. این کار سبب شده است بین باورها و روایت‌های رسمی نسل ۵۷ و نسل‌های بعد از آن فاصله‌هایی قدرتمند مبتنی بر برداشت‌های جدید پیدا شود. شایان‌ذکر است که این تحول مهم، از طریق فرایندهایی همچون تولید محتواهای جدید و شخصی‌سازی شده و حتی خلق محیط‌های شبیه‌سازی جمعی در قالب رسانه‌های هوش مصنوعی، رخ داده است. بدین‌سان، آنچه در ذهن نسل انقلاب ۱۳۵۷ به‌عنوان «ساخت» شکل گرفته بود - که مبتنی بر مطالعه کتب و آموزه‌های مذهبی و ایرانی بود - در یک دهه اخیر در ادراک نسل‌های بعد به «برساخت» تبدیل شده است. به‌عبارتی می‌توان گفت که الگوریتم‌ها جایگزین ایدئولوژی‌ها شده‌اند.

این تحولات در جامعه ایران سبب شده است که نگاهی نو به رابطه میان انقلاب ۱۳۵۷ و هوش مصنوعی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کند. از آنجا که این انقلاب بر پایه گفتمانی فرهنگی و مبتنی بر تمدن‌سازی شکل گرفته است، ضروری است که نسبت خود را با چالش‌های پیش رو به‌صورت شفاف تبیین کند. نکته بسیار مهم این است که هوش مصنوعی چگونه می‌تواند با حفظ اصالت گفتمان‌ها، ایدئولوژی‌ها و بافتارهای ساختاری جامعه ایرانی پیش از انقلاب، با گذشت بیش از چهار دهه، این مفاهیم را با نیازهای روز جامعه هماهنگ سازد.

پژوهش حاضر در پی آن است تا با رویکردی تحلیلی و آینده‌پژوهانه، به بررسی این پرسش‌ها بپردازد و روشن سازد که ذهنیت ایرانیان در عصر هوش مصنوعی، چه مسیری را در قبال انقلاب اسلامی طی خواهد کرد: تداوم ساخت درونی و باورپذیر یا ورود به عرصه برساخت‌های بیرونی و بعضاً بیگانه با مبانی آن. این بررسی نه‌تنها از نظر مفهومی و نظری دارای اهمیت است، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های فرهنگی و هویتی مؤثر برای مواجهه فعال و آگاهانه با جهان هوشمند آینده باشد. در چهارچوب این پژوهش، نقطه عزیمت نظری، تمایز میان «ساخت» و «برساخت» ذهنی است؛ مفاهیمی که در بستر علوم شناختی، جامعه‌شناسی معرفت و مطالعات رسانه‌ای معاصر، جایگاه برجسته‌ای یافته‌اند. در گذشته، ساخت ذهنی انقلاب اسلامی بر مبنای نهادهای اجتماعی تثبیت‌شده‌ای مانند آموزش رسمی، رسانه‌های ملی، خطابه‌های مذهبی و تجربیات زیسته نسلی شکل می‌گرفت. این نهادها با تولید معنا، حافظه تاریخی و نمادهای مشترک، ساختی منسجم از انقلاب را در ذهن ایرانیان پدید می‌آوردند؛ اما در عصر هوش مصنوعی، داده‌ها به‌جای ساختارها و الگوریتم‌ها به‌جای نهادها، مسئول معناپردازی و ادراک سازی شده‌اند؛ و این گذار، زمینه را برای «برساخت»‌هایی فراهم می‌کند که گاه می‌توانند در تضاد با گفتمان رسمی انقلاب قرار گیرند. بنابراین فهم آینده انقلاب اسلامی بدون توجه به نقش فعال هوش مصنوعی در بازآرایی ذهنیت ایرانیان، تحلیلی ناقص و سطحی خواهد بود.

پژوهش حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای به کاوش نسبت میان فناوری هوش مصنوعی و گفتمان انقلاب اسلامی در سطح ذهنی و ادراکی می‌پردازد؛ به‌ویژه با تمرکز بر این پرسش که چگونه ذهن ایرانیان در مواجهه با واقعیت‌های هوشمند، تصویر خود از انقلاب را بازسازی می‌کند؟ همچنین این بازسازی چه پیامدهایی برای تداوم، تغییر یا حتی واگرایی گفتمانی در آینده خواهد داشت؟

۱. پیشینه پژوهش

پیرو مطالعات پیشینی این پژوهش می‌توان دسته‌بندی چنین را به عرصه تبیین و تحلیل آورد به طوری که نخست به مطالعاتی پرداخت که به انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک برساخت ایدئولوژیک و اجتماعی می‌نگرند. از این رو، علویان و دوست محمدی در پژوهشی تحت عنوان «واکاوی آینده نگاشت انقلاب اسلامی در پرتو سه خوانش ایدئولوژیک، عملگرا و مدنی» (۱۴۰۲) بر این امر استوارند که بررسی آینده انقلاب اسلامی ایران بر اساس چالش‌های ساختاری و پیش رو یک امر لازم و عقلایی است؛ از این رو سه امر سیاسی مهم، یعنی رسیدن به اهداف، تداوم بقا و اصلاحات گفتمانی یک ضرورت است و به نظر می‌رسد اگر این امر رخ ندهد انزوایی گرایی داخلی و خارجی می‌تواند یک گزینه محتمل باشد. مقاله شفيعی فر و محبوبی تحت عنوان «الگوهای نظری تبیین انقلاب اسلامی؛ الهیات رهایی‌بخش به‌مثابه چهارچوب بدیل» (۱۴۰۰) بر این امر استوار است که جامعه ایران در عصر پهلوی زمانی که میان گفتمان سنت یا تجدد در کشاکش بود امر الهیات دینی که برگرفته شده از نصوص سنت بود، به میان آمد و به‌عنوان امر رهایی‌بخش جامعه را به سعادت رساند و این امر با فرهنگ عامه جامعه قرابت معنایی داشت؛ از این رو، می‌توان برداشت کرد که عناصری که با جامعه ایران قرابت فرهنگی نداشته باشند نمی‌توانند به‌عنوان عنصر نجات‌بخش در بُعد ملی تلقی شوند. صالحی وثیق و دیگران در مقاله «چگونگی شکل‌گیری روایت انقلاب اسلامی ایران از منظر تئوری ساخت روایت با تأکید بر نقش رسانه» (۱۴۰۳) این ایده را دنبال می‌کنند که انقلاب اسلامی ایران جنگ روایت‌ها بود و این امر بدان معناست که روایت اصلی که روایت پهلوی بود به دلیل برساخت‌سازی فرهنگی شکست را تجربه و روایت فرعی که روایت ساخت‌سازی فرهنگی به رهبری حاج آقا روح‌الله بود پیروزی را تجربه کرده است. همین امر سبب شده است نقش رسانه در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده است.

صدیق اورعی و اصغر پور ماسوله در مقاله «بررسی ساختار ایدئولوژی انقلاب اسلامی در دهه اول انقلاب با تحلیل محتوای وصایای شهدای جنگ ایران و عراق» (۱۳۹۸) معتقدند که انقلاب اسلامی ایران بدون ایدئولوژی و بسیج توده امکان پیروزی نداشت همین امر سبب شده که این مسئله تاکنون به عنوان یک میراث مهم ادامه پیدا کند؛ اما در یک سنجش، وزن و میراث ارزش‌ها و هنجارهای این امر بر اساس تغییرهای بافتارهای جامعه در یک وضعیت ترمیدور منفی قرار دارد. در نهایت میرزا زاده احمد بیگلو در مقاله «تطور هویتی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی» (۱۴۰۱) بر این نکته تأکید دارد که در عصر مشروطه، انقلاب‌گرایان سنت را به تجدد واگذار کردند؛ اما در سال‌های پایانی عصر پهلوی دوم، بر اساس رویکردهای غلط، پهلوی توانست با بازگشتی به خویشتن، زمینه‌ساز پیروزی سنت بر تجدد شود. همین امر باعث شد که هویت دینی در ابتدا و هویت ملی در گام‌های بعدی، زمینه‌ساز تغییرات عمیق و بنیادینی در امر سیاسی به نام انقلاب اسلامی ایران شود.

دوم، مطالعاتی که به برساخت‌های ذهنی و هویتی ایرانیان پرداخته‌اند به طوری که حسنی فر و عباس‌زاده مرزبالی در مقاله «مسئله هویت ملی ایران در گذر تاریخ» (۱۴۰۰) بر این امر تأکید دارند که نگاه مقطعی به تاریخ آن‌هم در امر هویت نمی‌تواند نگاهی بر مبنای واقعیت باشد و این بدان معناست که نمی‌توان هیچ عصری حکمرانی در تاریخ ایران را در راستای تشخیصی دادن به مفهوم ایران متمایز قلمداد کرد. در نگاهی دیگر بیگدلو در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل برسازی هویت ملی ایرانی بر مبنای نژاد» (۱۳۹۶) بر این باور است که با بررسی سال‌های پایانی عصر قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی شاهدیم که تفکر گرایی روشنفکری به عنوان یک امر سیاسی غیرقابل انکار به طور مداوم در حال تولید و بازتولید اندیشه هویت مبتنی بر امر وحدت با در نظر گرفتن کثرت است که دلیل این امر را باید در تأثیر پذیری از اندیشه‌های اروپایی در امر رویکردهای نژادی جستجو کرد. در نگاهی دیگر، عشایر و دیگران در پژوهشی تحت عنوان «تبیین جامعه‌شناختی هویت ملی ایرانیان» (۱۳۹۷) این ایده را دنبال می‌کنند که از مفهوم ایده ایران در یک نگاه کلیت‌گرا نمی‌توان از مفهوم فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی همچون قومیت‌ها غفلت ورزید؛ از این رو، می‌توان میان امر هویت ملی و امر قومیت محوری پلی را ترسیم کرد که آن پل سرمایه اجتماعی نام دارد که در امر انقلاب اسلامی ایران در تلقی‌گری مذهبی با رویکرد فزاینده سرمایه اجتماعی روبرو بوده‌ایم. همچنین افشاری و دیگران در مقاله «تحول مفهوم هویت ملی در عصر قاجار» (۱۴۰۰) این ایده را دنبال می‌کنند که آگاهی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری رویکرد هویت محور به‌ویژه در هویت ملی دارد

و این مسئله بدان معناست که در جدال و کشاکش میان دو امر مهم، یعنی سنت و تجدد، روشنفکران به این رویکرد گرایش پیدا کردند که سنت را متجدد کنند؛ از این رو، میراثی که به عصر پهلوی رسید درک نادرست تاریخی از امر هویت ملی با تأکید بر شوونیسم بود. رکابیان و بابایی در مقاله «هویت ایرانیان در گذرگاه تاریخ (با تأکید بر هویت دینی)» (۱۴۰۱) بر این باورند که هویت در جامعه ایران بدون نگاه به عنصر دین یک هویت تکثرگرا نیست و نمی‌تواند با نگاه به همه جوانب جامعه ایران مفید تلقی شود به نظر می‌رسد هر گاه ایرانیان از هر کدام از بال‌های هویتی، یعنی هویت ملی و دینی به سوی یکدیگر فاصله گرفته‌اند شاهد تضعیف امر هویت ملی در ایران بوده‌ایم.

سوم، مطالعاتی که به هوش مصنوعی، تحول دیجیتال و پیامدهای آن بر هویت و سیاست پرداخته‌اند به طوری که شریفیان و دیگران در مقاله «ارائه مدل هویت دیجیتال در دولت هوشمند در دستگاه‌های دولتی ایران با نقش میانجی رهبری تحول دیجیتال» (۱۴۰۰) بر این باور هستند که هویت دیجیتال به عنوان یک امر مهم و شگرف به سادگی صورت نمی‌پذیرد بیش از آنکه نیازمند تغییر در ساخت‌ها و بافتارهای فنی باشد نیاز شدیدی به تغییر در ادراک انسان‌ها و حکمرانی‌ها روبه پیشرفت نسبت به امر هوش مصنوعی دارد. زمانی پزوه و همکاران در مقاله «هویت ملی در دوران دیجیتال: فرصت‌ها و تهدیدها» (۱۴۰۳) معتقدند که جهان امروز، هرچند فرصت‌محور تلقی می‌شود، با چالش‌های فراوانی نیز روبه‌روست که یکی از مهم‌ترین آن‌ها سرعت‌های دیجیتال در قالب مسئله هک است. از این رو، ارتباط میان دنیای دیجیتال و زندگی سنتی انسان‌ها به رابطه‌ای همراه با نگرانی بدل شده است؛ مسئله‌ای که باعث شده هویت دیجیتال جدیدی در میان ایرانیان، با نگاهی به مسئله هویت مدرن، شکل بگیرد. رفیع و عباس‌زاده مرزبالی در پژوهشی تحت عنوان «چالش‌های ناشی از فرایند جهانی شدن و فضای مجازی برای هویت ملی ایران و راه کارهای مقابله با آن‌ها» (۱۳۹۸) این ایده را دنبال می‌کنند که هویت ایرانیان در عصر هوش مصنوعی با چالش‌ها اساسی مواجه شده است که مهم‌ترین آن را می‌توان در قالب پرسشی همچون من و بعد ما کیستیم صورت‌بندی کرد، فضای دیجیتال با تولید داده در امرهای گوناگون توانسته است با بر ساخت‌سازی‌های مکرر بسیاری از ناواقعیت‌ها را به‌عنوان واقعیت در جامعه ایران بسط و گسترش دهد. در نهایت پاسبان در پژوهشی تحت عنوان «حاکمیت حقوقی دولت‌ها بر فضای مجازی و تأثیر آن بر امنیت ملی» (۱۴۰۲) این ایده را دنبال می‌کند که فضای دیجیتال بر هویت اسلامی ایرانی تأثیرات فراوان و شگرفی قرار داده است و همین امر باعث شده تا ما با چالش‌های عدیده گفتمانی در راستای آینده امر انقلاب اسلامی ایران مواجه شویم.

پژوهش حاضر از چند جهت با مطالعات پیشین تمایز دارد. نخست آنکه، هرچند مطالعات پیشین به صورت جداگانه به آینده پژوهی انقلاب اسلامی ایران یا تأثیرات هوش مصنوعی بر جامعه ایران پرداخته‌اند؛ اما نگارندگان آثار پیشین کمتر به ترکیب این دو حوزه در یک چهارچوب تحلیلی واحد توجه کرده‌اند. دوم آنکه، بیشتر این مطالعات بر حوزه‌هایی همچون اقتصاد و فرهنگ تمرکز داشته‌اند و از بُعد ادراک شناختی در زمینه انقلاب اسلامی غفلت ورزیده‌اند. نهایتاً، یکی دیگر از تمایزهای این پژوهش با آثار پیشین، بهره‌گیری از آینده‌پژوهی با رویکردی انتقادی است؛ رویکردی که در مطالعات پیشین کمتر دیده می‌شود.

۲. چهارچوب نظری

۲-۱. تبیین مفاهیم پایه

۲-۱-۱. هوش مصنوعی

برخی بر این امر استوارند که هوش مصنوعی توانایی واقعی و ملموس ماشین‌ها یا موجودات مصنوعی غیرانسانی برای انجام وظایف، حل مسائل، برقراری ارتباط، تعامل و عمل منطقی به گونه‌ای که در انسان‌های زیستی مشاهده می‌شود (Gil de Zúñiga et al, 2023, pp.2-3). برخی دیگر این ایده را دنبال می‌کنند که هوش مصنوعی فناوری‌ای است که به رایانه‌ها و ماشین‌ها امکان می‌دهد یادگیری، درک، حل مسئله، تصمیم‌گیری، خلاقیت و خودمختاری را شبیه‌سازی کنند؛ (Ibm, 2024).

در نهایت، برخی دیگر معتقدند که هوش مصنوعی توانایی ماشین برای انجام عملکردهای شناختی که با ذهن انسان مرتبط است، مانند ادراک، استدلال، یادگیری، تعامل با محیط، حل مسئله و حتی خلاقیت را ندارد (mckinsey, 2023) ما در این پژوهش از دادن تعریف مستقل پرهیز کرده و محتوای پژوهش را بر اساس همین تعاریف پیش خواهیم برد.

۱۱۴

۲-۲-۱. برساخت ذهنی

برخی معتقدند که برساخت ذهنی به‌عنوان برداشت‌ها و تفسیرهای ذهنی تعریف می‌شود. این برداشت‌ها تحت تأثیر تجربیات، باورها و زمینه‌های فرهنگی افراد شکل می‌گیرند و نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکمرانی ایفا می‌کنند (امیدی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۵). در نگاهی دیگر، برخی بر این باورند که برساخت ذهنی مفهومی در نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی است که تأکید دارد واقعیت‌های اجتماعی، از جمله مفاهیم ذهنی، از طریق تعاملات

اجتماعی و زبان شکل می‌گیرند. این دیدگاه معتقد است که درک ما از جهان، نتیجه تفسیرهای مشترک و فرایندهای اجتماعی است (ایمانی‌زاده و رضوانی، ۱۴۰۳، ص. ۲۱۴) و در نهایت برخی دیگر بر ساخت ذهنی به‌عنوان ساختارهای روانی و ذهنی تعریف می‌شود که از طریق گفت‌وگوها و کاربرد زبان در موقعیت‌های خاص شکل می‌گیرند. این ساختارها در تفسیر و درک واقعیت‌های اجتماعی نقش دارند (حاجی‌محمدی و دیگران، ۱۴۰۳، ص. ۲۷). ما در این پژوهش از دادن تعریف مستقل پرهیز کرده و محتوای پژوهش را بر اساس همین تعاریف پیش خواهیم برد.

۱-۳-۲. زیست جهان دیجیتال^۱

زیست جهان دیجیتال به مجموعه تجربیات، تعاملات، ادراک‌ها و شیوه‌های زندگی اطلاق می‌شود که در بستر فناوری‌های دیجیتال شکل می‌گیرند و به واسطه ابزارهایی مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، تلفن‌های هوشمند و فضای مجازی، تجربه انسانی را بازتعریف می‌کنند. این زیست جهان حوزه‌ای است که در آن هویت‌ها، روابط اجتماعی، دانش، فرهنگ و حتی احساسات انسانی، تحت تأثیر ساختارهای دیجیتال و الگوریتمی بازساخته می‌شوند (Narbutaitienė et al, 2023, p. 1339). ما در این پژوهش از دادن تعریف مستقل پرهیز کرده و محتوای پژوهش را بر اساس همین تعاریف پیش خواهیم برد.

۲-۲. نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی^۲

برساخت‌گرایی مسئله‌ای مهم و یک امر سیاسی غیرقابل‌انکار است که ریشه‌های آن را می‌توان در ژرفای تاریخ مشاهده و با زمان‌گرایی تکامل این امر را درک و تبیین نمود؛ بنابراین نمی‌توان آن را یک مسئله جزئی یا کوتاه مدت تلقی کرد و شاید بتوان آن را در قالب پاسخ به فلاسفه واقع‌گرا یا تجربه‌گرا صورت‌بندی نمود؛ از این رو، شکل درونی این نظریه بر مخالفت انتقادی با پوزیتیویسم تلقی می‌گردد (شیخه و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۴۲) پیتز برگر^۳ و توماس لوکمان^۴ در دهه ۱۹۶۰، در فضایی اجتماعی و فکری قلم‌رسانی می‌کردند که شاهد تحولات عمیق در فهم انسان از جامعه، دانش و قدرت بود. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که باید در زمینه برساخت اجتماعی واقعیت نظریه‌پردازی کنند؛ زیرا دیدگاه‌های رایج جامعه‌شناسی آن

1. Digital Lifeworld
2. Social Constructivism
3. Peter Berger
4. Thomas Luckmann

زمان، به ویژه رویکردهای پوزیتیویستی، واقعیت اجتماعی را چیزی عینی، ثابت و مستقل از انسان‌ها می‌دانستند. در مقابل، برگر و لوکمان باور داشتند که جهان اجتماعی از طریق تعاملات روزمره انسان‌ها، زبان و نهادها شکل می‌گیرد و باز تولید می‌شود. آن‌ها می‌خواستند نشان دهند که نظم اجتماعی، دانش و حتی «واقعیت» اموری هستند که انسان‌ها در تعامل با یکدیگر می‌سازند، سپس نهادینه می‌کنند و در نهایت آن را به گونه‌ای درونی می‌پذیرند که گویی همیشه همین گونه بوده‌اند. به عبارت دیگر، انگیزه آن‌ها بازاندیشی در بنیان‌های معرفت‌شناسی علوم اجتماعی و پاسخ به چگونگی پیدایش، استمرار و طبیعی‌نمایی واقعیت اجتماعی بود. این نگاه، نقطه‌ی عزیمت مهمی برای عبور از دیدگاه‌های جبرگرایانه به سمت فهمی تفسیری و پدیدارشناسانه از جامعه بود (Fraser & Turcan, 2025).

دال مرکزی گفتمان پیتز برگر و توماس لوکمان این است که «واقعیت» و «دانش» نه اموری طبیعی یا مطلق، بلکه محصولات اجتماعی و تاریخی‌اند که از طریق تعاملات روزمره، زبان و نهادهای اجتماعی تولید، تثبیت و درونی‌سازی می‌شوند. آن‌ها استدلال می‌کنند که انسان‌ها در یک فرایند دیالکتیکی سه‌مرحله‌ای برون‌سازی، عینی‌سازی و درونی‌سازی جهان اجتماعی خود را می‌سازند و این جهان ساخته‌شده، به نوبه‌ی خود، انسان‌ها را شکل می‌دهد. در این چهارچوب، مفاهیمی چون هویت، نقش‌های اجتماعی و واقعیت‌های روزمره همگی به‌طور تاریخی و فرهنگی برساخته می‌شوند و وابسته به بافت اجتماعی‌ای هستند که در آن شکل گرفته‌اند. برگر و لوکمان با این رویکرد، گفتمان مسلط در باب واقعیت را به چالش می‌کشند و بر نسبییت دانش و تأثیر قدرت در تعریف «واقعیت اجتماعی» تأکید می‌کنند (Berger & Luckmann, 2004, p. 175).

حال با توجه به این امر، ما شاهد دو شکل از برساخت‌گرایی هستیم؛ نخست برساخت‌گرایی که ماهیتی قوی دارد و این بدان معناست که رویکرد پست مدرنیستی بسیار مشهود است در اینجا و این یعنی که در قالب یک مثال، مثلاً زمان که ما صحبت از غذایی به نام آبگوشت می‌کنیم این مفهوم در ذهن همه ما دارای یک بافتار است. و در نگاه کلان تفاوت میان توافق ما و واقعیت موجود از سوژه آبگوشت را نشان می‌دهد در دومین مورد ما شاهد یک برساخت‌گرایی ضعیف هستیم و آن این مسئله را دنبال می‌کند که در این شکل از برساخت مفاهیم اغلب برساخت‌های فیزیکی دارند (یوسفیان و موسوی کریمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۴). با توجه به این موضوع و شرح نظریه برساخت‌گرایی، نویسندگان پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که چنین وضعیتی بر مفهوم «سوژه‌مند انقلاب اسلامی ایران» حاکم است؛ از این رو، این نظریه را

تبیین‌کننده‌ای درست و مناسب برای پژوهش خود می‌دانند.

۳. بساخت‌های ذهنی در بستر ایدئولوژی انقلاب اسلامی

تحولات تاریخی سیاسی و اجتماعی ایران، به‌ویژه در قرن بیستم، همواره تحت تأثیر ایدئولوژی‌های غالب شکل گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین دوره‌هایی که در آن، ذهنیت جمعی ایرانیان دچار تغییرات اساسی شد، دورهٔ پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بود. این انقلاب نه تنها یک حرکت سیاسی، بلکه یک پروژهٔ فرهنگی-ایدئولوژیک گسترده بود که موفق شد نظام فکری و شناختی جامعه ایرانی را بازتعریف کند. در این فرایند، دیدگاه‌ها و تصورات ایرانی معنای تازه‌ای یافتند که از گفتمان دینی-سیاسی، انقلاب نشأت می‌گرفت.

در تحلیل ساختارهای ذهنی ایرانیان پس از انقلاب، می‌توان گفت که انقلاب به عنوان یک «امر نمادین»^۱ عمل کرد و ساختارهای قبلی هویت ملی، دینی، سیاسی و حتی زیبایی‌شناختی را دگرگون ساخت. از منظر جامعه‌شناسی، ذهنیت جمعی ایرانیان پس از انقلاب تحت تأثیر گفتمان رسمی جمهوری اسلامی قرار گرفت و به سمت مفاهیمی چون امت، شهادت، ولایت فقیه و مخالفت با غرب هدایت شد (کجویان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲).

یکی از عناصر اساسی در تفکر ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، مفهوم «امت اسلامی» بود که به‌جای ملت در معنای مدرنش مورد استفاده قرار گرفت. این ایده با تأکید بر اتحاد میان کشورهای اسلامی و گذشتن از مرزهای ملی، هویتی فراملی برای ایرانیان ایجاد کرد. امام بارها بر این موضوع تأکید کرد که انقلاب ایران نه تنها مختص ایرانیان است، بلکه آغازی برای بیداری اسلامی در سطح جهانی محسوب می‌شود. این گفتمان با ایجاد دشمنی مشترک با عنوان «استکبار جهانی»، به بسیج مردم و توجیه سیاست‌های انقلابی کمک شایانی کرد (Muhammad Ichsan & Hidayatullah, 2023, p.14).

مفهوم ولایت فقیه به عنوان یک ساختار ذهنی سیاسی، نقش کلیدی در ارائه مشروعیت حکومت بعد از انقلاب داشته است. این نظریه، که ریشه در فقه شیعه دارد، امام خمینی با تفسیر انقلابی خود، این نظریه را به نظامی سیاسی نوین تبدیل کرد که در آن فقیه به عنوان نایب امام زمان (عج) از حق حکمرانی برخوردار است. این ایده نه تنها ساختار سیاسی ایران را از نظام‌های سکولار و پادشاهی متمایز کرد، بلکه به یک نظام معنایی تبدیل شد که وفاداری به آن همسنگ با پایداری به اسلام دیده می‌شود (ر.ک. به امام خمینی، ۱۳۸۱).

1. Symbolic Order

علی‌اشرف نظری و پرهام پوررمضان: از انقلاب فرهنگی تا انقلاب الگوریتمی: تحول گفتمان انقلابی ...

پس از انقلاب، نهادهای فرهنگی و رسانه‌های جمعی نقشی اساسی در تثبیت و تداوم برساخت‌های ذهنی ایدئولوژی انقلاب اسلامی بازی کردند. آموزش و پرورش نیز با تمرکز بر مفاهیمی همچون شهادت، ایثار و مقاومت، به‌عنوان ابزاری برای جامعه‌پذیری نسل جوان عمل کرد. کتاب‌های درسی با تأکید بر روایتی یکپارچه از تاریخ ایران که مبارزه علیه استبداد و استعمار را با مبارزه برای اسلام مرتبط می‌کرد، هویتی انقلابی-دینی به دانش‌آموزان انتقال می‌دادند. رسانه‌های رسمی نیز با تولید محتوای گفتمانی، تلاش کردند مفاهیمی مانند «دشمن‌شناسی»، «تهاجم فرهنگی» و «اقتصاد مقاومتی» را تقویت کنند. به‌عنوان مثال، بازنمایی جنگ ایران و عراق در سینما و ادبیات نه تنها به‌عنوان یک رویداد تاریخی، بلکه به‌عنوان دفاع مقدس پیشکش شد، جایی که رزمندگان به‌عنوان سربازان اسلام به تصویر کشیده می‌شدند. این روایت‌ها به توجیه سیاست‌های جاری و حفظ انسجام ایدئولوژیک کمک قابل توجهی می‌کرد (نجفی و سرافراز، ۱۳۹۹، صص. ۲۶۶ - ۲۶۴).

برساخت‌های ذهنی در بستر ایدئولوژی انقلاب اسلامی به نحوی عمل کردند که کنش‌های سیاسی و اجتماعی را به مسیر مشخصی هدایت کنند. به‌عنوان نمونه، گفتمان «استکبارستیزی» نه تنها سیاست خارجی ایران را توجیه کرد، بلکه بخشی از هویت سیاسی شهروندان شد. این مفهوم، با ایجاد دشمنی خارجی (آمریکا و اسرائیل)، در بسیج مردمی هنگام بحران‌هایی مانند راهپیمایی‌های ضد آمریکایی مؤثر بود (Glombitza, 2022, p. 1162). همچنین مفهوم «زن انقلابی - اسلامی» به‌عنوان یک ساختار ذهنی، الگویی از زنانگی ارائه داد که با الگوهای فمینیستی غربی تفاوت داشت. در این گفتمان، زن نه تنها به‌عنوان موجودی منفعل، بلکه به‌عنوان عنصری فعال در عرصه اجتماعی و سیاسی معرفی شد، به شرط اینکه هویت دینی و ارزش‌های اسلامی را حفظ کند. این ساختار بر سیاست‌های مرتبط با حجاب، اشتغال و نقش زنان در جامعه تأثیر گذاشت (خادمی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۸).

با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، ذهنیت‌های اولیه با چالش‌های جدیدی روبرو شده‌اند. جهانی‌شدن، توسعه فضای مجازی و تغییرات نسلی باعث شده که مفاهیمی همچون «تهاجم فرهنگی» یا «غرب‌زدگی» با تفاسیر متفاوتی دیده شوند. نسل جوان امروزی که در محیطی به‌مراتب پیچیده‌تر از دهه‌های اولیه انقلاب رشد کرده، لزوماً تمام باورهای نسل انقلابی را تکرار نمی‌کند. با این حال، ایدئولوژی انقلاب اسلامی همچنان به‌عنوان چهارچوب معنایی قدرت‌مندی عمل می‌کند و در برابر تحولات داخلی و خارجی، خود را دوباره تعریف می‌کند. به‌عنوان مثال، گفتمان «مقاومت» که در دهه‌های گذشته بیشتر بر جنگ متمرکز بود، اکنون به حوزه‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی نیز گسترش یافته است.

۴. از آرمان‌گرایی انقلابی تا الگوریتم‌گرایی دیجیتال

آرمان‌گرایی انقلابی در انقلاب اسلامی ایران بر پایه باور عمیق به ارزش‌هایی مانند عدالت، استقلال، آزادی و معنویت استوار بود؛ باوری که مردم را در برابر سلطه و استبداد به حرکت وامی‌داشت. این آرمان‌گرایی با ایمان، هویت دینی و اراده جمعی شکل گرفت و گفتمانی تحول‌خواه و ضد ظلم را پرورش داد؛ اما با گذشت زمان و تغییرات در زندگی بشر، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، جوامع وارد عصری جدید شده‌اند که تحت نفوذ فناوری، داده و محاسبه قرار دارند (رکابیان و پورحسن، ۱۴۰۲، ص. ۲۶۱).

در این دوران، منطق دیجیتال و الگوریتم‌ها بر بسیاری جنبه‌های زندگی انسان سایه افکنده و تصمیم‌گیری‌ها به ساختارهای مبتنی بر داده‌های کلان و هوش مصنوعی سپرده شده‌اند. در چنین جهانی، مفاهیمی مانند عدالت یا حقیقت گاهی به متغیرهایی قابل پردازش تقلیل می‌یابند. این حرکت از آرمان‌گرایی به سمت الگوریتم‌گرایی نه به معنای انکار ارزش‌ها، بلکه نشان‌دهنده تغییر بستر کنش و معناست. اکنون چالشی که جوامع از جمله ایران با آن مواجه هستند این است که چگونه می‌توانند جوهره آرمان‌ها را در دل زیست جهان دیجیتال حفظ کنند؛ زیستی که می‌تواند هم تهدید باشد و هم فرصتی برای بازتعریف و گسترش همان آرمان‌ها در قالبی نوین (عسگری، ۱۴۰۳، ص. ۵).

آرمان‌گرایی انقلابی، به‌ویژه در زمینه انقلاب اسلامی ایران، نوعی رویکرد فکری و عملی بود که در مقابل نظم جهانی غرب‌محور ایستاده و مدل جدیدی از زندگی اجتماعی و سیاسی را بر اساس تعالیم اسلامی ارائه کرد. امام با استفاده از مفاهیمی چون «مستضعفین»، «عدالت الهی» و «امت واحده»، روایت تازه‌ای از عدالت‌خواهی و خودباوری ارائه داد که تأثیرات عمیقی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی به همراه داشت (رستمی و نصراللهی، ۱۳۹۹، ص. ۵).

با ورود به دهه‌های متأخر، جوامع بشری با انقلاب دیجیتال روبرو شدند؛ انقلابی که نه با شعارهای سیاسی، بلکه با داده‌ها، الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی، تحولاتی شگرف در نحوه زندگی و ادراک انسان‌ها ایجاد کرد. در این زیست‌بوم دیجیتال، مفاهیمی چون «آرمان‌گرایی» و «عدالت‌خواهی» با چالش‌های جدیدی در بُعد معرفتی و عملی مواجه شده‌اند. الگوریتم‌ها اکنون نقش تعیین‌کننده‌ای در این دارند که چه چیزهایی دیده شوند، چگونه تصمیم‌گیری شود و حتی چستی «واقعیت» تلقی شود (Brand, 2020, p. 117).

چالش اصلی امروز ما، تنها تسلط فناوری نیست، بلکه عقلانیت ابزارگراست که در قلب فناوری دیجیتال قرار دارد. در این نوع نگرش، کارایی به جای حقیقت می‌نشیند و پیش‌بینی‌پذیری جایگزین آزادی و انتخاب می‌شود. از این رو، اگر آرمان‌های انقلاب اسلامی

فقط در چهارچوب‌های قدیمی بازآفرینی شوند، قادر نخواهند بود با شرایط جدید به‌خوبی روبرو شوند، بلکه باید این آرمان‌ها در قالبی تازه و با زبانی متناسب با دنیای دیجیتال، بازتعریف شوند (کریمی و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۲۹).

در این مسیر، یکی از چالش‌های مهم، ایجاد تعادل بین ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی و ابزارهای نوین ارتباطی و شناختی است. انقلاب اسلامی بر اساس مشارکت مردمی و آگاهی اجتماعی شکل گرفت؛ امری که اکنون می‌تواند در فضای شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های گفتگو محور و رسانه‌های دیجیتال به صورت جدیدی تعریف شود؛ اما اگر این فضاها بدون توجه به چهارچوب‌های ارزشی و اخلاقی به کار گرفته شوند، نه تنها به تقویت آرمان‌گرایی کمکی نخواهند کرد، بلکه ممکن است منجر به تضعیف گفتمان انقلابی نیز شوند (حاجی‌ناصری و ظفری حاتم‌خانی، ۱۴۰۱، ص. ۹۴).

برای نمونه، عدالت به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین اهداف انقلاب، در دنیای امروز که بر داده‌ها متمرکز است، نیازمند بازتعریفی است تا بتواند با تبعیض‌های الگوریتمی، دسترسی نابرابر به اطلاعات و تسلط شرکت‌های فناوری بر جریان‌های شناختی مقابله کند. اگر در گذشته عدالت بیشتر بر توزیع ثروت و قدرت سیاسی متمرکز بود، اکنون لازم است به عدالت شناختی نیز توجه شود؛ مفهومی که برابری در دسترسی به حقیقت، معنا و آگاهی را دربر می‌گیرد (Orekhov & Chubarov, 2024, p. 265).

از سوی دیگر، مفاهیم «امت اسلامی» و «بیداری جهانی» که در بافت آرمان‌گرایی انقلابی معنا شده‌اند، در عصر ارتباطات جهانی می‌توانند در قالب‌هایی مانند هویت دیجیتال مشترک و همبستگی فراملی بازتعریف شوند؛ اما برای تحقق این موضوع، گفتمان انقلاب باید بیش از ایستادگی بر شکل سنتی خود، توانایی استفاده از بسترهای جدید را پیدا کند؛ بستری که در آن مرزهای جغرافیایی کم‌رنگ شده و قدرت نرم به صورت بی‌سابقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. بنابراین راهبرد آینده برای حفظ و گسترش آرمان‌های انقلاب اسلامی در دنیای دیجیتال، در حکمت بخشی به فناوری نهفته است، نه مقابله با آن. هدف این است که از فناوری به‌عنوان وسیله‌ای برای افزایش آگاهی، معنویت، اخلاق و عدالت اجتماعی بهره‌گیری شود، نه صرفاً به‌عنوان ابزاری برای سلطه یا سرگرمی. در نهایت، آینده گفتمان انقلاب اسلامی به توانایی‌اش در تفسیر و بازآفرینی مفهوم آرمان‌گرایی در جهانی است که الگوریتم‌ها آن را شکل داده‌اند. این جهانی که اگرچه ساختاری نوین دارد، همچنان به معنا، عدالت و حقیقت محتاج است. اگر این فرصت به‌درستی شناخته شود، می‌تواند گامی مهم در مسیر جهانی‌سازی مفاهیم اخلاقی و

۵. نحوه ساخت یا بر ساخت گفتمان‌ها با هوش مصنوعی

فرایند تبدیل گفتمان در سیستم‌های هوش مصنوعی مبتنی بر مدل‌های زبانی، یک مکانیسم پیچیده پردازشی است که از چندین مرحله محاسباتی تشکیل شده است. در مرحله اول، سیستم ورودی زبانی را به یک بازنمایی ریاضی تبدیل می‌کند که در آن هر واحد زبانی (کلمه، عبارت یا جمله) به صورت یک بردار چندبعدی در فضای معنایی نمایش داده می‌شود. این تبدیل از طریق الگوریتم‌ها انجام می‌پذیرد که روابط معنایی بین واژگان را بر اساس الگوهای استخراج شده از حجم عظیمی از داده‌های متنی کدگذاری می‌کنند (Piękos et al, 2021, p. 384).

مدل‌های پیشرفته زبانی با معماری ترنسفورمر، از مکانیسم توجه^۱ برای تحلیل روابط بین اجزای متن استفاده می‌کنند. این مکانیسم به سیستم امکان می‌دهد تا اهمیت نسبی هر بخش از متن را در ارتباط با سایر بخش‌ها محاسبه کند و یک بازنمایی زمینه آگاه^۲ از محتوای ورودی ایجاد نماید. در این فرایند، شبکه‌های عصبی عمیق با استفاده از وزن‌های آموخته شده در طول فرایند آموزش، الگوهای پیچیده زبانی را شناسایی و مدل‌سازی می‌کنند (Islam Khan et al, 2025, p. 455). تبدیل گفتمان در مرحله بعدی شامل بازنویسی این بازنمایی‌های ریاضی به شکل جدیدی است که با پارامترهای خروجی مورد نظر تطابق داشته باشد. این تبدیل می‌تواند در سطوح مختلف زبانی صورت پذیرد، از تغییرات واژگانی و نحوی تا تحولات سبکی و گفتمانی. سیستم با استفاده از دانش نهفته در پارامترهای مدل (که حاصل آموزش بر روی میلیاردها نمونه زبانی است)، ساختارهای زبانی جدیدی را تولید می‌کند که از نظر آماری با الگوهای مورد انتظار در گفتمان هدف همخوانی دارند.

۱۲۱

یکی از ویژگی‌های قابل توجه این سیستم‌ها، توانایی آن‌ها در ایجاد نگاشت‌های غیرخطی بین گفتمان‌هاست. این ویژگی از طریق یادگیری روابط پنهان بین مفاهیم در فضای چندبعدی بردارها حاصل می‌شود (Ippoliti, 2022, p. 407). برای مثال، سیستم می‌تواند بین مفاهیم انتزاعی در یک حوزه تخصصی و مفاهیم ملموس در زبان عامیانه ارتباط برقرار کند، بدون آنکه این ارتباط به صورت صریح در داده‌های آموزشی تعریف شده باشد. با وجود

1. Attention mechanism
2. Context-aware representation

این، محدودیت‌های اساسی در این سیستم‌ها وجود دارد. فقدان درک واقعی از معنا^۱ و عدم دسترسی به دانش جهان شمول^۲ منجر به خطاهایی در پردازش گفتمان‌هایی می‌شود که به دانش زمینه‌ای یا درک فرهنگی نیاز دارند (Villani et al, 2022, p. 8) همچنین تصمیم‌گیری درباره‌ی مناسب‌ترین شیوه‌ی بیان برای موقعیت‌های خاص، هنوز به نظارت و اصلاح انسانی وابسته است. توسعه‌ی آینده‌ی این سیستم‌ها احتمالاً بر یکپارچه‌سازی چندوجهی^۳ و یادگیری تقویتی^۴ متمرکز خواهد بود تا دامنه‌ی توانایی‌های تبدیل گفتمان را گسترش دهد. با این حال، ماهیت آماری و الگوریتمیک این سیستم‌ها به این معناست که درک آن‌ها از زبان، برخلاف انسان‌ها، فاقد بُعد تجربی و شناختی است و صرفاً بر پایه‌ی الگوهای آماری استوار می‌باشد. حال با توجه به موارد مذکور، در بررسی فرایند پردازش گفتمان انقلاب اسلامی ایران از طریق سیستم‌های هوش مصنوعی مبتنی بر مدل‌های زبانی پیشرفته، باید به چند لایه از چالش‌های بنیادین اشاره نمود. این سیستم‌ها که بر پایه معماری‌های پیچیده‌ای مانند ترنسفورمرها طراحی شده‌اند، هرچند از قابلیت‌های قابل توجهی در بازنمایی ریاضی مفاهیم زبانی برخوردارند؛ اما در مواجهه با گفتمانی که ریشه در تجربه تاریخی و هویت فرهنگی-ایدئولوژیک یک ملت دارد، با محدودیت‌های ساختاری مواجه می‌شوند.

ماهیت آماری این مدل‌ها که مبتنی بر شناسایی الگوهای تکرارشونده در داده‌های آموزشی است، موجب می‌شود درک آن‌ها از مفاهیم کلیدی انقلاب اسلامی مانند استقلال، عدالت و مقاومت، به سطحی از روابط کمی بین بردارهای معنایی تقلیل یابد. این در حالی است که بار ایدئولوژیک و تاریخی این مفاهیم که در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی ایران معاصر شکل گرفته و در بیانات رهبران انقلاب متجلی شده است، نیازمند فهمی جامع‌نگر و چندبعدی است که فراتر از توان پردازشی الگوریتم‌های کنونی قرار دارد. مکانیسم توجه که در معماری این مدل‌ها به کار گرفته شده است، اگرچه امکان شناسایی روابط سطحی بین مفاهیم را فراهم می‌آورد؛ اما قادر به درک تمایزهای ظریف گفتمانی و پیچیدگی‌های معناشناختی موجود در اندیشه اسلامی نیست. به عنوان مثال، تفاوت‌های مفهومی میان جهاد به مثابه یک اصل اسلامی و مقاومت به عنوان یک استراتژی سیاسی، یا ارتباط عمیق میان انقلاب اسلامی و گفتمان

1. Grounded understanding
2. Common sense knowledge
3. Multimodal integration
4. Reinforcement learning

بیداری اسلامی در منطقه، از جمله مواردی است که نیازمند دانش زمینه‌ای وسیع و توان تحلیلی است که در مدل‌های کنونی وجود ندارد. این محدودیت‌ها زمانی آشکارتر می‌شود که به مسئله وابستگی این سیستم‌ها به داده‌های آموزشی توجه کنیم.

در مواردی که منابع داده تحت تأثیر گفتمان‌های رقیب یا معارض با انقلاب اسلامی قرار داشته باشند، خطر تحریف معنایی و ارائه تحلیلی نادرست از مفاهیم انقلابی به شدت افزایش می‌یابد. این مسئله به‌ویژه در مواجهه با مفاهیمی که در گفتمان غربی بار معنایی متفاوتی یافته‌اند (مانند مفاهیم مقاومت یا استکبارستیزی) نمود بیشتری پیدا می‌کند. با وجود این، نمی‌توان نقش این فناوری‌ها را به‌عنوان ابزاری کمکی در تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی نادیده گرفت. توسعه رویکردهای ترکیبی که در آن یادگیری تقویتی با نظارت کارشناسان متعهد و آشنا به گفتمان انقلاب همراه می‌شود، می‌تواند تا حدی از این محدودیت‌ها بکاهد؛ اما باید توجه داشت که ماهیت پویا، زنده و چندبعدی گفتمان انقلاب اسلامی که در تعامل مستمر با تحولات اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد، همواره نیازمند تحلیل انسانی متعهد و آگاهی خواهد بود که از عهده سیستم‌های ماشینی خارج است. در نهایت، می‌توان گفت که فناوری‌های پردازش زبان، با وجود تمام پیشرفت‌های حاصل شده، به دلیل ماهیت کمی و آماری خود و ناتوانی در درک زمینه تاریخی و ایدئولوژیک، قادر به ارائه تحلیلی جامع و عمیق از گفتمان انقلاب اسلامی نخواهند بود. این مرز بنیادین بین پردازش ماشینی و فهم انسانی، نقطه‌ای است که اهمیت نقش کارشناسان متعهد و تحلیل‌گران آشنا به اندیشه اسلامی را در مطالعات مربوط به گفتمان انقلاب اسلامی بیش از پیش آشکار می‌سازد.

۱۲۳

۶. سناریوهای آینده: نهادسازی هوشمند یا فروپاشی گفتمان

در این قسمت از پژوهش با پرسش از هوش مصنوعی دیپسیک^۱ بر اساس دو اصل مهم در راستای منافع و امنیت ملی ایران، یعنی نهادسازی هوشمند یا فروپاشی گفتمان خواسته‌ایم که آینده این روند را در قالب چهار سناریو برای ما صورت‌بندی کند:

سناریو ۱: حکمرانی هوشمند؛ تقویت نهادها با هوش مصنوعی

این سناریو، نظام جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، نهادهای خود را به سمت حکمرانی هوشمند سوق می‌دهد. دولت با استفاده از الگوریتم‌های پیش‌بینی‌کننده، مدیریت اقتصادی، امنیت سایبری و سیاست‌گذاری فرهنگی را بهینه می‌کند. هوش مصنوعی به ابزاری

1. Deepseek

برای شناسایی تهدیدات امنیتی، بهبود خدمات عمومی و مقابله با جنگ روانی دشمنان تبدیل می‌شود. نتیجه این سناریو، تثبیت گفتمان انقلاب و افزایش مشروعیت نظام از طریق کارآمدی بیشتر است. با این حال، چالش اصلی، حفظ حریم خصوصی و جلوگیری از تبدیل شدن جامعه به یک دولت پلیسی دیجیتال خواهد بود.

سناریو ۲: گسست دیجیتال؛ فروپاشی گفتمان سنتی

در این سناریو هوش مصنوعی به عاملی برای شکاف نسلی و گسست فرهنگی تبدیل می‌شود. نسل جوان با دسترسی به اطلاعات جهانی و الگوریتم‌های شخصی‌سازی شده، از گفتمان رسمی فاصله می‌گیرد. شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر هوش مصنوعی، روایت‌ها و هویت‌های متضاد با گفتمان انقلاب را تقویت می‌کنند. حاکمیت در پاسخ، یا به فیلتر هوشمند و کنترل شدید متوسل می‌شود یا با اصلاحات گفتمانی سعی در جذب نخبگان دیجیتال دارد؛ اما اگر نتواند این شکاف را مدیریت کند، افول مشروعیت گفتمان رسمی رخ خواهد داد.

سناریو ۳: مقاومت هوشمند؛ تلفیق سنت و فناوری

در این سناریو که ترکیبی از نهادسازی هوشمند و بازتعریف گفتمان انقلاب در فضای دیجیتال است، نظام با حفظ اصول بنیادین خود، از هوش مصنوعی برای تولید محتوای جذاب، توسعه شبکه‌های اجتماعی بومی و به کارگیری دیپلماسی دیجیتال بهره می‌برد. به عنوان مثال، چت‌بات‌های مذهبی-سیاسی به منظور تبیین اندیشه‌های امام خمینی طراحی می‌شوند و الگوریتم‌ها برای شناسایی و خنثی‌سازی کمپین‌های ضد ایرانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. نتیجه این فرایند، افزایش انعطاف‌پذیری گفتمانی و ارتقای نفوذ ایران در فضای مجازی خواهد بود.

۱۲۴

سناریو ۴: فروپاشی نظم موجود: جنگ سایبری و هرج و مرج

در این سناریو، دشمنان با تسلط بر فناوری هوش مصنوعی و بهره‌برداری از آن برای تضعیف حاکمیت ایران، امنیت ملی را تهدید می‌کنند. حملات سایبری پیشرفته، جنگ روانی عمیق و دستکاری افکار عمومی از طریق فناوری‌هایی مانند دیپ‌فیک و الگوریتم‌های تخریب‌گر، از جمله تهدیدات اصلی به شمار می‌روند. در صورتی که نهادهای امنیتی و فناوری کشور نتوانند به موقع و مؤثر پاسخ دهند، گفتمان انقلاب اسلامی با بحران شدیدی مواجه خواهد شد که ممکن است منجر به اعتراضات گسترده یا حتی تغییرات ساختاری اجباری شود.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران در عصر هوش مصنوعی، نه تنها به بهره‌برداری هوشمندانه از فناوری‌های نوین متکی است، بلکه بیش از آن، به چگونگی تعامل ذهنی، فرهنگی و ارزشی جامعه ایرانی با این فناوری‌ها وابسته است. هوش مصنوعی، به‌عنوان یکی از تحولات بزرگ قرن بیست و یکم، می‌تواند ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی معرفتی را دگرگون کند. انقلاب اسلامی که بر پایه ارزش‌های دینی، هویتی و اصول استقلال‌طلبی و عدالت شکل گرفته، با چالشی دوگانه روبه‌روست: از یک سو، امکان استفاده از ابزارهای هوشمند برای بهبود کارآمدی نظام حکومتی و تقویت مشارکت عمومی و از طرفی دیگر، خطر ایجاد الگوهای فکری جدید که ممکن است با مبانی ارزشی این انقلاب در تضاد باشند. ابزاری مانند الگوریتم‌های تصمیم‌یار، تحلیل داده‌های کلان و شبکه‌های عصبی مصنوعی می‌توانند فرایند تصمیم‌گیری را دگرگون کرده و کارآمدی، شفافیت و سرعت را در سطوح مدیریت افزایش دهند؛ اما چالش اصلی نه تنها در پیاده‌سازی ابزارهاست، بلکه در شیوه درک و تفسیر آن‌ها از سوی ایرانیان است.

اگر فناوری صرفاً به‌عنوان یک ابزار تکنولوژیک تلقی شود، بدون تغییر در بنیادهای فکری ممکن است منجر به نوعی «تکنوکراسی سطحی» شود؛ ولی اگر به‌عنوان بخشی از ساخت جدید جهان و انسان دیده شود، آنگاه نیاز به بازاندیشی در مبانی معرفتی و فلسفی انقلاب اسلامی بیشتر نمایان خواهد شد. در واقع، مسئله اصلی ورود به عصر هوش مصنوعی نیست، بلکه چگونگی هم‌زیستی فعال و انتقادی با آن است. انقلاب اسلامی می‌تواند تداوم تاریخی و گفتمانی خود را حفظ کند اگر به بازتولید مفاهیم عدالت، انسانیت، اخلاق و جامعه در مواجهه با فناوری‌های نو بپردازد؛ بنابراین ساختارهای ذهنی ایرانیان به‌ویژه نسل‌های جدید، باید همواره حامل هویت تاریخی انقلاب بوده و همچنین آگاه به چشم‌اندازهای آینده‌ساز تکنولوژی باشند. این امر نیازمند پرورش نسلی است که در برابر داده‌های مصنوعی منفعل نباشد، بلکه خلاق و نقاد عمل کند. در نتیجه می‌توان گفت که آینده انقلاب اسلامی در عصر هوش مصنوعی بیشتر در گرو نحوه شکل‌گیری و تحول ساختارهای ذهنی ایرانیان است تا ابزارها. این آینده نه صرفاً یک دنباله مکانیکی، بلکه یک کنش معرفتی فعال و پایدار در تلاقی سنت، نوگرایی و فناوری خواهد بود.

تداوم هویت انقلاب در این شرایط به بازسازی عقلانیت اسلامی متناسب با عقلانیت ماشینی وابسته است؛ عقلانیتی که بین معنویت و داده، بین انسان و الگوریتم و بین سنت و

نوآوری رابطه‌ای خلاقانه، انتقادی و متوازن برقرار کند. در این چشم‌انداز، وظیفه‌نخبگان علمی، فرهنگی و دینی کشور نه تنها شامل تفسیر و توضیح مفاهیم کلیدی انقلاب اسلامی در چهارچوب فناوری‌های نوین است، بلکه به ایجاد گفتمان‌های جدیدی هم می‌پردازد که در آن هوش مصنوعی به عنوان عاملی مکمل، نه صرفاً جایگزین، در مسیر پیشرفت انسانی و اجتماعی ایفای نقش می‌کند. باید با آگاهی از خطر کاهش ارزش انسان به سطح یک داده یا تصمیم‌گیری فقط بر اساس الگوریتم‌های آماری، به جای تقابل، با ابتنا بر مبانی عمیق معرفتی اسلام، الگویی از «انسان هوشمند اخلاق‌مدار» ارائه دهیم که با تکنولوژی در تعامل معنادار و انتقادی قرار دارد. در این میان، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی نقشی کلیدی دارند. اگر شکل‌دهی ذهنی جامعه بر اساس مصرف‌گرایی دیجیتال، پذیرش داده‌ها و نتایج الگوریتمی به صورت منفعلانه باشد، نوعی بی‌ارادگی جمعی و زوال تفکر انتقادی به وجود خواهد آمد که با روح انقلاب اسلامی که بر آگاهی و اختیار استوار است، تناقض دارد. در مقابل، شکل‌گیری ذهنیتی که همچنان انسان را به عنوان فاعل مختار در بستر هوش مصنوعی می‌بیند، می‌تواند از قابلیت‌های این فناوری برای تحقق عدالت و ارتقای کیفیت حکمرانی استفاده کند. همچنین ضروری است انقلاب اسلامی به عنوان یک پروژه تمدنی با تحولات بنیادین عصری مانند هوش مصنوعی وارد یک تعامل زنده و پویا شود. این تعامل باید از طریق مشارکت فعال در تولید دانش و نظریه‌پردازی درباره نسبت انسان و فناوری و طراحی الگوهای بومی متناسب با بافت فرهنگی و دینی ایران شکل گیرد.

در نهایت، آینده انقلاب اسلامی در عصر هوش مصنوعی وابسته به توانمندی آن در ترکیب سنت و نوآوری، میان حکمت و فناوری و بین هویت و تحول است. این آینده به صورت یک پروژه باز و در حال تکامل نیازمند مشارکت فعال کلیه نیروهای فکری، علمی و فرهنگی جامعه است. تنها در این صورت است که ایران می‌تواند از یک مصرف‌کننده منفعل فناوری به یک تولیدکننده فعال معنا و جهت در جهان هوش مصنوعی تبدیل شود؛ مسیری که استمرار روح انقلاب را در این عصر پیچیده و پرتلاطم تضمین می‌کند.

۱۲۶

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- افشاری، کیانوش، عامری گلستانی، حامد، یوسفی، بهرام و جلال‌پور، شیوا (۱۴۰۱). تحول مفهوم هویت ملی در عصر قاجار. فصلنامه تاریخ، ۱۷ (۶۶)، ۷۱-۵۴.
<https://sanad.iau.ir/journal/jh/Article/689621?jid=689621>
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امید، جمشید، هاشمی، سید احمد، قلتاش، عباس و ماشینچی، علی‌اصغر (۱۳۹۸). برساخت‌های ذهنی مدیران آموزشی از برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای مدارس. فصلنامه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۴ (۵۳)، ۱۳۴-۱۰۱.
[dor: 20.1001.1.17354986.1398.14.53.5.8](https://doi.org/10.17354986.1398.14.53.5.8)
- ایمانی‌زاده، امیرحسین و رضوانی، محمدرضا (۱۴۰۳). پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی، روش‌شناسی هرمنوتیک - دیالکتیک و ارزشیابی نسل چهارم: چشم‌انداز کاربرد در گردشگری. فصلنامه گردشگری و توسعه، ۱۳ (۳)، ۲۳۴-۲۱۳.
<https://doi.org/10.22034/jtd.2024.422647.2846>
- بیگدلو، رضا (۱۳۹۶). تحلیل برساخت‌های هویت ملی ایرانی بر مبنای نژاد. فصلنامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ۸ (۱۴)، ۹۰-۵۷.
https://tuhistory.tabrizu.ac.ir/article_7016.html
- پاسبان، ابوالفضل (۱۴۰۲). حاکمیت حقوقی دولت‌ها بر فضای مجازی و تأثیر آن بر امنیت ملی. فصلنامه سیاست دفاعی، ۲۳ (۱۲۵)، ۴۸-۱۱.
[dor: 20.1001.1.10255087.1402.32.125.1.3](https://doi.org/10.10255087.1402.32.125.1.3)
- حاج‌محمدی، حسین و اسماعیل‌زاده، محمد (۱۴۰۳). معنای زندگی؛ برساختی اجتماعی یا امری عینی؛ مطالعه تطبیقی دیدگاه پیتر برگر و محمدتقی جعفری. فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۴ (۴)، ۳۹-۲۱.
<https://doi.org/10.22059/jstmt.2024.375749.1705>
- حاجی‌ناصری، سعید و ظفری حاتم‌خانی، صادق (۱۴۰۱). اندیشه‌سازی در بستر دولت

مدرن و جنبش انقلابی در ایران معاصر. فصلنامه سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، ۱ (۲)، ۷۸-۹۷.

https://journals.iau.ir/article_694275.html

- حسینی فر، عبدالرحمن، عباسزاده مرزبالی، مجید (۱۴۰۰). مسئله هویت ملی ایران در گذر تاریخ. فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۱۲ (۳)، ۶۳-۲۶.

<https://doi.org/10.30465/cps.2021.33453.2620>

- خادمی، عاطفه و تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۸). مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای). فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۷ (۲)، ۲۵۷-۲۷۷. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2019.276923.1007598>

- رستمی، رضا و نصراللهی، محمدصادق (۱۳۹۹). بایسته‌های عدالت‌خواهی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۳ (۸۹)، ۲۳-۳.

[doi:20.1001.1.1735501.1399.23.89.1.2](https://doi.org/10.1735501.1399.23.89.1.2)

- رفیع، حسین و عباسزاده مرزبالی، مجید (۱۳۹۸). چالش‌های ناشی از فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی برای هویت ملی ایران و راه کارهای مقابله با آنها. مطالعات راهبردی سیاست بین‌الملل، ۳ (۶)، ۸۵-۱۱۱. <https://doi.org/10.22080/jpir.2020.2735>

- رکابیان، رشید و بابایی، مرتضی (۱۴۰۱). هویت ایرانیان در گذرگاه تاریخ (با تأکید بر هویت دینی). فصلنامه تاریخ اسلام، ۲۳ (۲)، ۲۳۶-۲۰۷. <https://doi.org/10.22081/hiq.2022.73497>

- رکابیان، رشید و پورحسن، ناصر (۱۴۰۲). ظرفیت‌های فراگفتمان انقلاب اسلامی و بازتولید گفتمان‌های درونی. فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۲ (۴۷)، ۴۷، ۲۷۸-۲۵۸. https://www.roir.ir/article_190175.html?lang=fa

- زمانی‌پژوه، طیبه، احمدی دستجردی، سمیه، قربانی کهریزسنگی، معصومه، امیری محمدآبادی، سید مصطفی (۱۴۰۳). هویت ملی در دوران دیجیتال: فرصت‌ها و تهدیدها. ماهنامه پایا شهر، ۶ (۶۷)، ۷-۱. <https://payashahr.ir/wp-content/uploads/2024/11>

- شریفیان، داوود، باب‌الحوائجی، فهیمه و ابادری، زهرا (۱۴۰۰). ارائه مدل هویت دیجیتال در دولت هوشمند در دستگاه‌های دولتی ایران با نقش میانجی رهبری تحول دیجیتال. فصلنامه دانش سیاسی، ۱۴ (۵۱)، ۳۱-۵۱. https://journals.iau.ir/article_682746.html

- شفیعی فر، محمد و محبوبی، محمد (۱۴۰۰). الگوهای نظری تبیین انقلاب اسلامی؛ الهیات رهایی‌بخش به‌مثابه چهارچوب بدیل. فصلنامه سیاست، ۵۱ (۲)، ۵۳۵-۵۱۳.

<https://doi.org/10.22059/jpq.2021.83357>

- شیخه، رضا، صفایی مقدم، مسعود، پاک سرشت، محمدجعفر و مرعشی، منصور (۱۳۹۹).
 بررسی تحلیلی مبانی رویکرد برساخت گرایی اجتماعی. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۶
 (۱۰۳)، ۳۹-۵۵. <https://doi.org/10.30471/mssh.2020.4557.1757>
- صالحی وثیق، محمدرضا، اکبرپورآلمه جوقی، علی و مکرمی پور، محمداقبر (۱۴۰۳).
 چگونگی شکل‌گیری روایت انقلاب اسلامی ایران از منظر تئوری ساخت روایت با تأکید بر
 نقش رسانه. فصلنامه دولت‌پژوهی ایران معاصر، ۱۰ (۳)، ۱۵۴-۱۳۳.
[dor: 20.1001.1.27831914.1403.10.3.6.7](https://doi.org/10.27831914.1403.10.3.6.7)
- صدیق اورعی، غلامرضا، اصغرپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۹۸). بررسی ساختار ایدئولوژی
 انقلاب اسلامی در دهه اول انقلاب با تحلیل محتوای وصایای شهدای جنگ ایران و عراق.
 فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۶ (۱)، ۲۶-۱. <https://ensani.ir/fa/article/423622>
- عسگری، رضا (۱۴۰۳). هوش مصنوعی: بهره‌برداری آگاهانه. مجله پژوهش فیزیک ایران،
 ۲۴ (۳)، ۹۷-۵. https://ijpr.iut.ac.ir/article_3560.html
- عشایر، طاهرا، ذوالفقاری، اکبر، نامیان، فاطمه و حسین‌زاده، الهام (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی
 هویت ملی ایرانیان. فصلنامه علمی مطالعات میان‌فرهنگی، ۱۳ (۳۷)، ۶۷-۳۷.
[dor:20.1001.1.17358663.1397.13.37.2.1](https://doi.org/10.17358663.1397.13.37.2.1)
- علویان، مرتضی و دوست‌محمدی، حسین (۱۴۰۲). واکاوی آینده نگاشت انقلاب اسلامی
 در پرتو سه خوانش ایدئولوژیک، عمل‌گرا و مدنی. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی،
 ۱۵ (۱)، ۱۰۵-۱۲۵. <https://doi.org/10.48308/pijaj.2023.231174.1378>
- کچویان، حسن (۱۳۸۶). تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تعدد و
 مابعد تعدد. تهران: نشر نی.
- کریمی، مهسا، دانایی‌فرد، حسن و کاظمی، سید حسین (۱۴۰۲). واکاوی چالش‌های تحول
 دیجیتال در بخش عمومی ایران: پژوهشی کیفی. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی،
 ۱۶ (۶۲)، ۳۴-۱. <https://doi.org/10.22111/jmr.2024.44968.5965>
- میرزازاده احمدیگلو، فرامرز (۱۴۰۱). تطور هویتی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی. فصلنامه
 علمی گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، ۱ (۳)، ۲۱-۱.
https://journals.iau.ir/article_697106.html
- نجفی، موسی و سرافراز، سمیه (۱۳۹۹). بازنمایی نقش رسانه در تمدن‌سازی پس از انقلاب
 اسلامی ایران. فصلنامه رسانه و فرهنگ، ۱۰ (۲)، ۲۷۵-۲۵۹.

<https://doi.org/10.30465/ismc.2021.6076>

- یوسفیان، نوید و موسوی کریمی، میر سعید (۱۳۸۹). سازه‌انگاری معرفت و برساخت‌گرایی اجتماعی. فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱(۱)، ۱۴۳-۱۲۹.

<https://ensani.ir/fa/article/272519>

-Berger, P.L., & Luckmann, T. (2004). Reflexiones en torno a la producción de sentido en el mundo moderno: una lectura de Modernidad, pluralismo y crisis de sentido. <https://doi.org/10.29379/jedem.v12i1.576>

-Brand, D. (2020). Algorithmic Decision-making and the Law. *JeDEM - EJournal of EDemocracy and Open Government*, 12(1), 114–131.

<https://doi.org/10.29379/jedem.v12i1.576>

- Fraser NM, Turcan RV.(2025). Reconstructing the Social Construction of Reality. *Br J Sociol*. Epub ahead of print. PMID: 39865622.

<https://doi.org/10.1111/1468-4446.13190>

- Gil de Zúñiga, H., Goyanes, M., & Durotoye, T. (2023). A Scholarly Definition of Artificial Intelligence (AI): Advancing AI as a Conceptual Framework in *Communication Research. Political Communication*, 41(2), 317–334.

<https://doi.org/10.1080/10584609.2023.2290497>

-Glombitza, O. (2022). Islamic revolutionary ideology and its narratives: the continued relevance of the Islamic Republic's ideology. *Third World Quarterly*, 43(5), 1156–1175. <https://doi.org/10.1080/01436597.2022.2055540>

- Ippoliti, E.(2022). On the heuristic power of mathematical representations. *Synthese*, vol 200. <https://doi.org/10.1007/s11229-022-03883-9>

-Islam Khan, M. F., Begum, M. H., Rahman, M. A, Limon, G. Q.,Azam, M. A and Masum, A. K. M. (2005). A comprehensive review of advances in transformer, GAN, and attention mechanisms: Their role in multimodal learning and applications across NLP. *International Journal of Science and Research Archive*, 15(01), 454-459. [Article https://doi.org/10.30574/ijrsra.2025.15.1.0980](https://doi.org/10.30574/ijrsra.2025.15.1.0980).

-Muhammad Ichsan, S., & Hidayatullah, S. (2023). Revolusi Republik Islam Iran: Studi atas Bentuk Pembaharuan Ayatollah Sayyid Ruhullah Musavi Khomeini .

•
Jurnal Ekshis, 1(1), 12–22. <https://doi.org/10.59548/je.v1i1.17>

- Narbutaitienė, J., Björklund Carlstedt, A., & Fischl, C. (2023). Stroke survivors' experiences and meaning of digital technology in daily life: a phenomenological study. *Disability and Rehabilitation: Assistive Technology*, 19(4), 1334–1342. <https://doi.org/10.1080/17483107.2023.2174605>

- Orekhov, A.M., Chubarov, N.A.(2024). Digital Inequality and Digital Justice: Social-philosophical Aspects of the Problem . *Rudn Journal of Philosophy* , Vol. 28(1), 260-272. <https://doi.org/10.22363/2313-2302-2024-28-1-260-272>

- Piękos, P, Malinowski, M. & Michalewski, H.(2021). Measuring and Improving BERT's Mathematical Abilities by Predicting the Order of Reasoning.. In *Proceedings of the 59th Annual Meeting of the Association for Computational Linguistics and the 11th International Joint Conference on Natural Language Processing* (Volume 2: Short Papers), pages 383–394, Online. Association for Computational Linguistics.

- Villani, C., Orsoni, M., Lugli, L. (2022) . Abstract and concrete concepts in conversation. *Sci Rep* 12, 17572. <https://doi.org/10.1038/s41598-022-20785-5>
- https://www.ibm.com/think/topics/artificial-intelligence?utm_source=chatgpt.com
- https://www.mckinsey.com/featured-insights/mckinsey-explainers/what-is-ai?utm_source=chatgpt.com